

گمیکهای مصور در مجله‌های کودکان قبل از انقلاب



به نقل از کتاب:

تاریخ مجلات کودکان و نوجوانان از آغاز تا پیروزی انقلاب اسلامی (جلد اول) مرحوم منصور حسینزاده مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

زمستان ۱۳۷۰

شاهد اندکی شگفت‌آور و داستانگونه باشد، ولی واقعیت این است که «مصور حسینزاده» در نخستین ساعات روز چهارم بهمن ماه ۱۳۳۰، به دنیا آمد و در نخستین ساعات روز چهارم بهمن ماه ۱۳۶۸، از دنیا رفت؛ یعنی درست در نخستین نیمه یک روز از یک ماه، با ۳۸ سال تفاوت. حسینزاده، در جنورده به دنیا آمد و پس از پایان تحصیلات ابتدایی و متوسطه، وارد دانشکده علوم ارتباطات شد. او پس از پایان تحصیل، به جنورده بازگشت و گمیک را می‌توان مرحله تحول یافته هنر کارتونی سازی دانست که در عین حال از چاشنی قوی مزاج و فکاه نیز برخوردار است. استفاده از گمیکهای مصور در مجله‌های کودکان قبل از انقلاب، از اوایل دهه ۴۰-۱۳۳۰ آغاز شد و در پایان رژیم گذشته، به صورت جزء تقریباً ثابت محتوای مجله‌های کودکان بخش خصوصی درآمد. با توجه به اینکه بیشتر شخصیت‌های گمیکها در مجله‌های کودکان قبل از انقلاب، شخصیت‌های معروف کارتونی بودند، طبیعی است که گمیکها را مرحله‌ای تکامل یافته از کارتونی سازی بدانیم، به ویژه که بسیاری از آثار کارتونی، به لحاظ تم، پرداخت و استفاده از حرکتهای بی‌معنا ولی خنده‌دار (کمدی آزار دهنده)، نوعی مزاج و فکاه ارائه می‌دهند و گمیکها نیز از این پدیده به خوبی بهره می‌گیرند.

طراحی می‌کرد؛ نقاشی می‌کشید و همچنین ترجمه می‌کرد. او، نخستین گامهای اساسی را در انتشار نشریه تخصصی «رسانه» برداشت و سرانجام در چهارم بهمن ۱۳۶۸، بسر اثر نارسایی قلبی درگذشت. روحش شاد و پانش گرامی و باقی.

رفت و از این زمان، کار اصلی او، یعنی روزنامه‌نگاری و پژوهش در موضوع تاریخ مطبوعات ایران آغاز شد. مهمترین کار حسینزاده در این دوران، مطالعه و پژوهش درباره مجلات کودکان و نوجوانان بود. او نخستین جلد از مجموعه دو جلدی «تاریخ مجلات کودکان و نوجوانان» را در همین دوران نوشت، اما هنگامی که این کتاب به طبع رسید، او به سرای کودکان و نوجوانان، تحقیقاتی خود، قصه می‌نوشت، و سایل کمک آموزشی

معالم مدارس روستاهای آن شهرستان شد. اما به دلیل فشارها و سختی زندگی در روستا، بیری نباید که کلیه‌هایش به شدت آسیب دید و برای عمل جراحی و پیوند کلیه، به امریکا رفت. برادرش مقیم آنجا بود و یک کلیه خود را به او هدیه کرد. پس از پیوند کلیه، مفاصلش به دلیل مصرف بیش از حد دارو، آسیب دید و در همانجا دوباره عمل شد. سرانجام در سال ۱۳۵۸ به ایران بازگشت و در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مشغول به خدمت شد. سپس، در سال ۱۳۶۲ به کیهان

استدلال فوق را قوت می‌بخشد. در ایران، ابتدا به کارتون «مضحک قلمی» گفته می‌شد، یعنی قطعه‌های مضحک و خنده‌داری که به وسیله قلم کشیده شده‌اند. این قطعه‌های فانتزی در سالهای بعد از جنگ جهانی دوم، یا دیرتر از آن، به صورت میان پرده‌های بسیار کوتاه، لابلای فیلم‌های سینمایی که عموماً هندی و ایرانی بودند، نمایش داده می‌شدند. شاید بتوان گفت در آن زمان، این قبیل قطعه‌های سینمایی پیش از آنکه برای کودکان باشد، به خاطر جلب توجه بزرگترها پخش می‌شدند. در سالهای ۳۰-۱۳۲۷ به کارتونی توجه بیشتری شد و به عنوان هنری که می‌تواند کودکان را سرگرم کند، آرام آرام در جامعه جا باز کرد. در هر حال، اولین فیلم کارتونی که وارد ایران شد، «سپید برفی و هفت کوتوله» نام داشت که در سالهای ۳۰-۱۳۲۹ در سینما «میهن» نمایش داده می‌شد.

بعدها شخصیت‌های کارتونی به اشکال مختلف،

ارائه کارتونی در ایران، با نام جالبی شروع شد که

توسط کسانی که اطلاعاتی بر این زمینه داشتند، وارد مجله‌های کوبیکان شدند. در واقع، حضور این شخصیتها، نخستین زمینه‌های ورود کمیکها به مجله‌های کوبیکان را فراهم آورد. در میان شخصیت‌های کارتونی که بعد به طور گسترده‌ای در مجله‌های کوبیکان به صورت کمیک مورد استفاده قرار گرفت، می‌توان از عموبونالد (بونالد داگ) و سه برابرزاده‌اش، میکی ماوس و... نام برد، ولی با وجود این، تا پایان دهه ۴۰-۱۳۳۰ کمیکهای مصور در مجله‌های کوبیکان قبل از انقلاب، هنوز از محبوبیت چندانی برخوردار نبودند.

یک - دوم و زمانی تمام پیام در تصویر خلاصه می‌شود و این تصاویر هستند که پیامهای مضحک و خنده دار را به مخاطب منتقل می‌کنند.

در تصاویر کمیک، بر روی بخشهای خاصی چون حرکت‌های بدنی، حرکت‌های نست و پا و سر و گردن و به هنگام پرتره سازی، بر روی خطوط صورت شخصیت و انعکاس عواطف درونی در ظاهر شخصیتها تکیه می‌شود. (کاری که تقریباً در کاریکاتورسازی اعمال می‌شود). برای ایجاد خنده و مزاح در کمیک، از عواملی چون خشم، شیطننت، حوادث ناگهانی و... به شکل گسترده‌ای استفاده می‌شود. در کارتونها نیز پرداخت و انعکاس دقیق و زیبای حالت‌های درونی شخصیتها را در نماهای نزدیک می‌توان دید. حالت‌های درونی در کمیکها با بهره‌گیری از خطوط چهره، ابروها، چشمان، بینی، نهان، گوشها، مو، گردن و... نشان داده می‌شوند. این نمایش همیشه با نوعی اغراق در ترسیم حالتها توأم است. در مجله‌های کوبیکان قبل از انقلاب، قطعه‌های کمیک معمولاً به صورت تک تصویرهای پشت سر هم با دیالوگ و زمانی بدون دیالوگ بود که بر روی هم یک قطعه کوتاه و دنباله دار (یا تک شماره) داستانی را تشکیل می‌دادند.

تصویر شماره ۱ - خسرو (نام شخصیتها، در ترجمه، به نام ایرانی تبدیل شده است) کسی است که همیشه در نسر درست می‌کند.

تصویر شماره ۲ - حسن سببی با خود دارد.

تصویر شماره ۳ - خسرو همیشه سیب حسن را به زور از او می‌گیرد.

تصویر شماره ۴ - حسن درون سببی را از فلفل پر می‌کند.

تصویر شماره ۵ - خسرو مثل همیشه سیب را از حسن به زور می‌گیرد.

تصویر شماره ۶ - تصویر آخر - خسرو شادان از سببی که به زور تصاحب کرده است، برای خود شیرینی، سیب را به مریم که مادرش با مادر حسن دوست است،

حادثه پردازی و بهره‌گیری از اشتباه‌های عمدی و سهوی مضحک، از جانبه‌های کارتونی و کمیکهای مصور به شمار می‌آید. برای کوبیکان گروه‌های سنی پایین، با ایجاد تحرک و پویایی بی‌محتوا ولی مضحک و خنده‌دار، می‌توان کشش به سوی کمیک را به وجود آورد. هر چه سن بالاتر می‌رود و تعداد واژگان مورد استفاده کودک افزایش می‌یابد، کمیکها با دیالوگ‌های بیشتری همراه می‌شوند و بالاخره در سن نوجوانی و جوانی، نکته‌سنجی، بازیگوشی و پیام‌های پیچیده‌تر، محتوای کمیک را تشکیل می‌دهند.

کمیکها را به طور مطلق نمی‌توان در شمار مطالب مصور و نوشتاری مضر آورد، چرا که بر حقیقت، آن بستر فرهنگی که کمیک در دامانش رشد می‌کند، عامل مهمی در تبدیل کمیک به یک وسیله فرهنگی مخرب یا مفید است. کمیکهایی که در مجله‌های کوبیکان قبل از انقلاب جا می‌گرفتند، عموماً از آمریکا وارد می‌شدند و بیشتر آنها جزو مطالب مصور مضر بودند.

کمیک چیست

مهمترین بخش قطعه‌های کمیک را تصویرپردازی و شخصیت پردازی افراد داستان تشکیل می‌دهد. در قطعه‌های کمیک، گاه دو - سوم ،

می‌دهد و...

به نهن می‌آورد و همین امر، انگیزه‌های اولیه را برای خنده ایجاد می‌کند.

تمامی شخصیت‌های کمیک، همراه فرهنگ غربی وارد مجله‌های کویکان قبل از انقلاب شدند. خلق شخصیت‌های ایرانی در قطعه‌های کمیک وطنی، بعد از انتشار سری مجله‌های بیک، به صورت ناقص آغاز شد. عمده شخصیت‌های کمیک‌های مجله‌های قبل از انقلاب، شخصیت‌های کارتونی بودند، ولی شخصیت‌هایی که ظاهراً برای قطعه‌های کمیک خلق شده بودند نیز وجود داشتند.

مهمترین شخصیت‌های کمیک شناخته شده در مطبوعات کویکان قبل از انقلاب عبارتند از:

- عمو فلیکس و برادر زاده‌اش

- عمو دو ناله و سه برادر زاده‌اش

- عمو میکی و برادر زاده‌اش

- لاکي و خانواده‌اش

- خسرو و حسن

- فری و منوچ

فری و منوچ دو شخصیت پسر و دختر خردسال هستند (در ترجمه متن اصلی، نام‌های فارسی برگزیده شده‌اند.) و الگوی کویکانی هستند که شیطنت، زینگی، حاضر چوایی و رک گویی کویکانه آنها (که لزوماً هم می‌تواند به اشتباه گویی برسد) خطاها، اشتباه‌ها، درسرما و گرفتاریهای مضحک و خنده‌داری را پدید می‌آورد. فری و منوچ، در قالب آنمهای بزرگتر آشکار می‌شوند و با تضادی که بین رفتار بزرگترها و شخصیت کویکانه وجود دارد، اشتباه‌ها و اتفاقاتی خنده‌داری را موجب می‌شوند. در مقایسه این دو شخصیت، همیشه نوعی برتری در شخصیت فری (بختر) دیده می‌شود. این برتری گاه ناشی از شیرین زبانی و زمانی به خاطر شخصیت زنانه او در فرهنگ غربی است. در مقابل، منوچ بیشتر مواقع شخصیتی سست دارد که هر فشاری را به راحتی می‌پذیرد و در مقابل تهاجم‌های فری به راحتی عقب می‌نشیند.

بر خلاف قطعه‌های فکاهی در مجله‌های کویکان، تصویر نقش بسیار مهمی در کمیک به عهده دارد، به گونه‌ای که گاه قطعه کمیک، کاملاً بدون نوشته و توضیح ارائه می‌شود. در واقع همین مصور بودن کمیک‌ها باعث محبوبیت آنها نزد کویکان می‌شود. در عین حال، این ویژگی کمیک، اثرهای سوئی بر روی کویکان به جا می‌گذارد و تنبلی فکر و راحت‌طلبی آنها را سبب می‌شود.

شخصیت پردازی در کمیک‌های مجله‌های کویکان قبل از انقلاب

شخصیت در داستانهای کمیک، استخوانبندی داستان را تشکیل می‌دهد. در ترسیم شخصیت‌های کمیک، از حالت‌های بدنی (رفتارهایی مثل دویدن، راه رفتن، نشستن، خوابیدن، مطالعه کردن و...) و انعکاس حالت‌های درونی بر روی چهره و حتی دیگر اعضای بدن، (خشم، تمسخر، ترس، خنده، بی‌تفاوتی، بی‌حالی و...) به خوبی بهره گرفته می‌شود و از آنها در ایجاد مزاح و خنده استفاده کامل می‌شود، چرا که یکی از شیوه‌های رساندن پیام به مخاطبان، همان تسلسل تصویر با بیان حالت‌های مختلف درونی و بیرونی شخصیت‌هاست.

از ویژگی‌های شخصیت پردازی در کمیک‌ها، استفاده از شخصیت‌های زوج با اخلاقها و رفتارهای متفاوت است. به این خاطر که در کمیک‌ها، عمدتاً کدش داستان‌های از طریق حادثه‌پردازی و اتفاق و اشتباه به وجود می‌آید و این حالت‌ها به هنگام تقابل شخصیت‌ها با یکدیگر، بهتر نمایان می‌شوند. هر یک از این شخصیت‌ها از ابتدا تا انتهای داستان، رفتاری معین دارند که معمولاً با رفتار شخصیت‌های دیگر ایجاد اصطکاک می‌کند. معرفی شخصیت‌های کمیک با یک تفکر و رفتار خاص، آنقدر تکرار می‌شود که معمولاً خواننده قبل از خواندن یک قطعه کمیک، با دیدن شخصیت مورد نظر، رفتار و تفکر خاص او را

تصویر شماره ۱ - (منوج توب فوتبال خود را نگذ می‌زند) «فری، بگیر که آمده!»

تصویر شماره ۲ - توب توی گلها می‌خورد و گلها روی فری می‌باشد. فری: «اوه».

تصویر شماره ۳ - فری فریاد می‌زند: «بچه کله خشک، این چه کار بدی است که می‌کنی؟»

تصویر شماره ۴ - منوج ناراحت است و با خود می‌گوید: «عجب هیچ وقت فری این طور با من اوقات تلخی نمی‌کرد!»

تصویر شماره ۵ - منوج: «هرم از او معذرت بخواهم.»

تصویر شماره ۶ - منوج: «برای آشتی کنان، اول کلامم را توی اتاقش می‌انجامم.»

تصویر شماره ۷ - منوج: «او اگر آن را بیرون ببرد نکند، حتماً مرا بکشیده.»

تصویر شماره ۸ - کلاه توی ظرف شکلات افتاده و شکلاتها روی صورت فری ریخته و صدای منوج که می‌گوید: «مثل اینکه دیگر اوقاتش تلخ نیست!»

خسرو و حسن - شخصیت‌های زوج: این دو شخصیت به گروه‌های سنی بالاتر اختصاص دارند و بیشتر شخصیت شاگردانی را تداعی می‌کنند که با زرنگی، نکته سنجی و حاضر جوابی، موضوعهای خنده‌دار را باعث می‌شوند. این دو از نظر پرداخت، دقیقاً نقطه مقابل هم هستند. خسرو شخصیتی است موزنی که علاقه زیادی به آزار و اذیت دارد و به همین جهت، احمق نیز نشان داده می‌شود و به راحتی فریب می‌خورد.

بر خلاف خسرو، حسن شخصیتی ضعیف است، آنچنان‌که گاه مرواردی، هالوبه نظر می‌رسد، ولی با وجود این از قدرت اندیشیدن برخوردار است و با این حربه می‌تواند برای طرف مقابل، (خسرو) دربر سر ایجاد کند و به شکلی انتقام بگیرد.

خسرو و حسن، بر خلاف دو شخصیت نخست (فری و منوج) که در سراسر داستان کمیک به صورت همراه آشکار می‌شدند، معمولاً شخصیت ثالثی را به همراه دارند.

شخصیت‌های خانوادگی اعضای ثابت این قبیل گروه‌ها، پسر، مادر، فرزند(پسر یا دختر یا هر دو) و یک حیوان اهلی (عموماً سگ) بودند. نمونه‌ای از شخصیت پردازی اعضای خانواده لاکسی را در مجله‌های کودکان قبل از انقلاب مشاهده می‌کنیم.

معمولاً محور اصلی تحرک در کمیک‌های خانوادگی، پسر(ها دختر) خانواده بود. گمنام‌ترین شخصیت در این گروه، زن خانواده بود. بعد از شخصیت اصلی (فرزند) به طور معمول، حیوان دست آموز گروه، تحرک در کمیک را سبب می‌شد. در خانواده لاکسی، شخصیت حیوانی دومی نیز به نام «لاکسی» که یک لاک پشت بود، دیده می‌شد که گاه در قطعه کمیک کارهای خنده‌دار می‌کرد. پسر در کمیک‌های خانوادگی معمولاً نقش هماهنگ کننده داشت. (غیر از مواردی که کمیک برای گروه سنی جوان پرداخت شده بود و با موضوعهای پلیسی و جنایی داشت.)

تصویر شماره ۱ - پسر: «بابا اجازه می‌دهید با فنحنقی (سگ) بروم گردیش؟» پدر در حالی که مشغول مطالعه روزنامه است: «بله بروید؛ اما زود بروید که دیر نشود.»

تصویر شماره ۲ - پدر خوابش برده در حالی که روزنامه هنوز در دستش است.

تصویر شماره ۳ - پدر از خواب بیدار می‌شود، با خود می‌گوید: «عجب! مثل اینکه خوابم برد.»

تصویر شماره ۴ - هوا تاریک است.

تصویر شماره ۵ - پدر از همسرش می‌پرسد: «بیل بر گذشته به خانه؟» زن: «نمی‌دانم، مگر بیرون رفته بود.»

تصویر شماره ۶ - پدر: «رفت فنحنقی را بگرداند اما خیلی دیر کرده است.» (حالت زن و شوهر مضطرب است.)

تصویر شماره ۷ - پدر: «باید به پلیس تلفن کنم. الو... بی‌حمت می‌خواستیم با رئیس کلانتری صحبت کنم.»
تصویر شماره ۸ - پلیس آمده است و زن و شوهر

کمیکهای پر تحرکی را خلق می‌کرد. فیلیکس، یک شخصیت کلی بود که در نقشباهی چون شکارچی، دانشمند، کاوشگر گنج و... دیده می‌شد و به همین سبب نمی‌توان رفتار خاصی را برای او مشخص کرد، جز اینکه بگوییم موجودی ماجراجو بود.

میکی ماوس، از شخصیت‌های معروف و شناخته شدهٔ دنیای والت دیسنی است. عمو میکی یک دوست و یک عمو برای برادرزاده‌های شیطان‌دش است که وقتی برقالب شخصیت عمو ظاهر می‌شود، در مقابل، برادرزاده‌های خنده‌آفرین، شیطان و بازیگوش می‌شوند و از اصطکاک‌هایی که بین این دو طرف ایجاد می‌شود، خنده و مزاح بسیاری به وجود می‌آید. در این اصطکاکها معمولاً عمو میکی به صورت یک هدف است و برادرزاده‌های شیطان او، در سرهای بسیار و در عین حال مضحکی برایش ایجاد می‌کنند. در این سری از کمیکها، چون رابطهٔ بین بزرگترها و کوچکترها مطرح است، به ندرت پیامهای آموزشی دیده می‌شود. میکی ماوس به صورت یک شخصیت تنها، محور حرکت‌های خنده‌آور و مضحک می‌شود. در این صورت، میکی شخصیتی زنگ، نکته‌سنج، باهوش و ماجراجوست.

دونالد داک، از یک معروف دنیای والت دیسنی است. این شخصیت در کمیکها بیشتر به صورت یک اریک خوبخواه و راحت‌طلب آشکار می‌شود. در مورد سه برادرزاده‌اش، سختگیر است و به قصد سوء استفاده، همیشه به گونه‌ای آنها را تحت فشار قرار می‌دهد. برادرزاده‌هایش به تلافی این اخلاق عمو، برخوردهایی ایجاد می‌کنند که باعث مزاح و خنده می‌شود. دونالد داک در بعضی کمیکها به صورت فردی آشکار می‌شود و در نقشباهی مختلف، شخصیت‌های متفاوتی دارد.

سخت برایشان هستند. کار آگاه؛ (عجب! چه خبیر شده؛ نشانیهایش را به تمام پاسپاها دادم... دارد تمام محله را می‌گردند.)

تصویر شماره ۹ - کار آگاه (یک نمای فردی): «بله، می‌دانید که بالاخره هر کس یک راه فراری دارد غیر از زن من، خوب این طبیعی است بالاخره!...»

تصویر شماره ۱۰ - یک پلیس داخل اتاق شده، ابفر مایید بالاخره پیدایش کردیم. خیلی خوش و سرحال می‌آیند. کار آگاه: «نگفتم قربان!»

تصویر شماره ۱۱ - پدر و مادر در حال دویدن. مادر خطاب به فلتقی: «عزیزم!...» پدر خطاب به پسرش: «پسر چه کار می‌کری؟» پسر: «با فلتقی رفته بودیم بیرون، گردش، ولی لاکمی هم همراهمان بود.»

شخصیت‌های حیوانی کمیک در مجله‌های کودکان قبل از انقلاب

مجله‌های کودکان قبل از انقلاب، تماماً از میان شخصیت‌های کارتونی برگزیده می‌شدند که در میان آنها «دونالد داک» و «میکی ماوس» معروفترین بودند. شخصیت‌های حیوانی کمتر به صورت فردی و بیشتر همراه با شخصیت‌های دیگر، در کمیکها آشکار می‌شدند؛ معمولاً دونالد و سه برادرزاده‌اش/ عمو میکی و برادرزاده‌اش/ عمو فیلیکس و برادرزاده‌اش/ نو سمور/ بوبی و دوسی (نو توله سگ) و....

فیلیکس، شخصیت معروف کارتونی، یک گربهٔ ماجراجو بود که ضمن خلق حوادث و ماجراها، باعث مزاح می‌شد. فیلیکس معمولاً به صورت انفرادی در کمیکها حضور داشت، ولی گاهی نیز همراه برادرزاده‌اش، حوادث خنده‌داری می‌آفرید. فیلیکس زنگ و باهوش، برای رهایی از گرفتارها همیشه آمادگی داشت و پیوسته نیز دچار ترس می‌شد. رفتار و حرکت‌های مضحک و خنده‌دار او، همراه حوادث،